



موضوع:

رازهای کلیدی انتخاب همسر و ازدواج موفق

*

تدوین:

عبدالله ناروئی

*

استاد:

سرکار خانم زهرا رامشک

چکیده:

از مهم ترین تصمیمات در زندگی شخص، گزینش همسر است و جهت تشکیل خانواده سالم، متعادل و پایدار، فرد به تفکر منطقی نیازمند است.

جوان باید براساس معیارهای اصولی و منطقی، همسر آینده خود را انتخاب نماید و ازدواج تنها راه مشروع و سالم تشکیل خانواده است. بهار ازدواج، دوران جوانی است. در این دوران فرد با شور و نشاط خاصی رو به رو است و آمادگی ساختن فردای بهتری را برای خود و خانواده اش دارد.

فراموش نکند که ازدواج پیوند و تعهدی متقابل بین زن و مرد است و هر دو بایستی نقش و وظیفه ای خود را برای تداوم آن به نحو شایسته انجام داده و آمادگی لازم برای برخورداری با مشکلات زندگی را کسب نمایند.

شخص با ازدواج سالم از نظر احساسی سالم تر هست و کمتر قربانی خشونت های گوناگون اجتماعی می شود. و آرامش و اعتماد به نفس بیشتری نیز در این فرد دیده می شود و تعهد و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به افراد مجرد را دارد.

هر فرد بالغی باید قبل از ازدواج، معیارهایی را در ذهن خود داشته باشد و سپس با معیار و ملاک هایش، طرف مقابل را انتخاب کند، زیرا که ملاک و معیارها، اساس و پایه زندگی مشترک را تشکیل می دهند.

کلید واژگان: ازدواج موفق - همسرگزینی - تشکیل خانواده - رابطه - سلامت معنوی

ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند، مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود به پا داشته اند و عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته است.

نسل کنونی با توقعات کاذب و روز افزونی نیز روبه رو است که گاهی وسوسه انگیز بوده و هرگز در یک زندگی واقعی مجالی برای تحقق نمی یابد.

ظاهراً این قصد و مطالبه هنوز از سوی برخی چندان جدی تلقی نشده است. به همین دلیل، نسل جدید اکنون خود درصدد به کارگیری و آزمون روش های جدید، برای ازدواجی پایدارتر و رضایتمندانه است. روش آشنایی مستقیم و احیاناً دوستی دختر و پسر روشی است که نسل جوان آن را برگزیده و در حال آزمودن آن است.

در حالی که جوانان به دلیل اعتقاد به کاستیه ای متعدد در همسرگزینی سنتی، ترجیح می دهند از آن فاصله بگیرند، با سالت جدید دیگری رو به رو می شوند، که پاسخ هر یک از آنها نیاز به ساز و کارهای جدید و مدرن تر دارد. در چنین شرایطی درک نامناسب از شرایط جدید، ما را همچنان به سمت بهره گیری نادرست از ابزارهای سنتی «ریش سفیدی و کدخدا منشی به جای مشاوره تخصصی»، و مانند آن فرا می خواند.

در آموزه های اسلامی، اهمیت ازدواج از دو منظر منافع فردی و مصالح اجتماعی قابل بررسی است، اهمیت ازدواج در دین مبین اسلام تا آن اندازه بالا است که در قران کریم از همسران به عنوان مایه آرامش یاد می کند، همچنین پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید «هیچ بنایی در اسلام نیست که دوست داشتنی تر از بنای ازدواج باشد». هم چنین در روایات متعددی، عبادت افراد متاهل را برتر از عبادت افراد غیر متاهل شمرده است، چنان که امام صادق(ع) فرموده است: «دو رکعت نمازی که انسان متاهل می خواند، ثوابش بیشتر از هفتاد رکعتی است که انسان مجرد می خواند».

ازدواج در صورتی که سالم و رضایت بخش باشد، تاثیرات شگرفی بر سلامت و رشد ابعاد مختلف شخصیت افراد بر جای می گذارد و چنانچه ازدواج ناسالم بر پایه اصولی سست و لرزان بنا شود، تاثیرات بسیار مخربی بر سلامت و ابعاد مختلف شخصیت افراد وارد می سازد که شاید فرد مجبور باشد این مشکلات را تا آخر دوره ی حیات خویش تحمل نماید.

رابطه ای که پرتو ازدواج بین یک مرد و زن ایجاد می شود، منحصر به فرد و از هر رابطه ای مهم تر، عمیق تر، گسترده تر، طولانی تر و حساس تر است.

بنابراین بهتر است ابتدا ازدواج را بشناسید، اطلاعات لازم را از افراد متخصص دریافت کنید و با دقت و مهارت همسر آینده خویش را برگزینید.

قرن‌ها بعد و در دوره ساسانیان، نوع اصلی ازدواج ایرانی «زنی پادشاهی» خوانده می‌شد که در واقع انتقال قیمومیت دختر از پدر به شوهر بود. همچنین گونه‌ای ازدواج موقت برای زنان وجود داشت که «چگر» نامیده می‌شد و آن هنگامی بود که شوهر توانایی فرزندآوری نداشت و زن خود را به عنوان همسر موقت به یکی از نزدیکان می‌داد تا فرزند آورد. چگر را به صورت چگر هم نوشته‌اند. در این گونه از ازدواج رضایت زن شرط نبوده‌است و فرزندان حاصل به شوهر اول می‌رسیده‌اند.

ازدواج در ایران دارای رسوم و قواعدی است که برخی از آن‌ها منحصر به فرهنگ ایرانی است. این رسوم در طول تاریخ به دفعات تغییر کرده‌اند و در میان اقوام، ادیان و مذاهب، و حتی طبقات اجتماعی گوناگون به فراخور متفاوت هستند.

ازدواج سنتی ایرانی فرایندی است که دارای مراحل مختلفی است. این مراحل در برخی از نقاط ایران از ابتدا اندکی تفاوت داشته و در برخی از نقاط دیگر، به تدریج تغییراتی در آن راه یافته‌است؛ ولی آنچه در مراحل ازدواج سنتی ایرانی تقریباً در اکثر نقاط کشور مرسوم و معمول بوده‌است، بطور رسمی شامل این مراحل است: خواستگاری، بله بران، شیرینی خوران، نامزدی، عقد نکاح، سفره عقد، جهاز بران، حنابندان، عروسی، زفاف، پاتختی.

از سوی دیگر نقش خانواده در آشنایی زوجین، متغیر دیگری است که نوع ازدواج را (سنتی یا مدرن) تعیین می‌کند. در ازدواج‌های سنتی غالباً خانواده طرفین نقش تعیین‌کننده تری داشته و حتی در برخی از ازدواج‌های سنتی تا چند سال پیش، زوجین حق دیدن یا صحبت کردن با یکدیگر را نداشته‌اند. اما در ازدواج‌های مدرن، شناخت پیش از ازدواج توسط خود زوجین صورت می‌گیرد و خانواده طرفین نقش زیادی در آن ندارند. بدیهی است که در این میان، چه از نظر رسوم ازدواج و چه از نظر شناخت و آگاهی، انواع بینابینی زیادی وجود دارد.

از دیگر تفاوت‌های ازدواج سنتی و مدرن، تفاوت سنی زوجین است. در ازدواج سنتی بطور معمول زوج (داماد) چندین سال از زوجه (عروس) مسن تر است. در حالی که در ازدواج‌های مدرن زوجین اختلاف سنی معنی داری نداشته و در مواردی نسبت معکوس برقرار است.

الف: پیش نیازهای ازدواج

اهداف ازدواج:

انسانی که هدف ندارد، حیران، گم گشته و سرخورده است. انسان هدفمند برای ازدواجش اهداف روشنی دارد و برای رسیدن به اهدافش همسری را انتخاب می کند که توانایی رسیدن به اهدافش را در وی ببیند.

وقتی هدف دارید، می دانید که از زندگی مشترک تان چه می خواهید و لذا امیدوار، مصمم و سرزنده به سوی آینده حرکت می کنید.

انسان از نظر جسمی، روانی و روحی نیازهایی دارد که در سن خاصی بروز می کنند و فقط با ازدواج آرام می گیرند و انسان احساس آرامش می کند. ازدواجی موفق است که زن و شوهر با دیدن همدیگر، شنیدن صدای هم و حتی وقتی به یاد هم می افتند احساس آرامش کنند.

ازدواجی موفق است که نیاز جنسی زن و مرد در بهترین شکل ممکن برطرف شود، به طوری که هر دو رضایت داشته باشند و از رفی حسن پدر و مادر شدن پاسخ داده شود.

از موقعی که با هم آشنا می شوید و به طور رسمی نامزد می شوید می بایست احساس کنید از نظر عاطفی، اجتماعی، معنوی، دانش و تجربه و اخلاق در کنار هم رشد می کنید و توانمندی ها و استعدادها همدیگر را پرورش می دهید و از موقعی که کنار هم دیگر قرار گرفته اید احساس کنید از شخصیت بهتری برخوردار شده اید.

رفع نیازهای عاطفی و روانی همدیگر به طوری که در بهترین شکل به نیازهای هم پاسخ دهید، نیازهایی از قبیل دوست داشتن، صمیمیت، توجه، احترام، ارزشمندی، حمایت، نوازش، تعریف و تحسین، اعتماد، که در وجود شماست و لازم است زن و شوهر به نیازهای هم توجه ویژه داشته باشند.

مسئله دیگر اینکه، هر دو از خانه پدری کنده می شوید و تشکیل خانواده می دهید و بر اساس هم فکری، مشورت و احترام به نظر همدیگر آن را مدیریت می کنید و گسترش می دهید و از لحاظ تصمیم گیری در تمام جنبه های زندگی کاملاً استقلال دارید.

شناخت های پیش از ازدواج:

پیش نیازهای ازدواج به دسته ای از مسایل ضروری اطلاق می گردد که بدون وجود هر یک از آن ها، فرد واجد شرایط کافی و لازم برای احراز مقام همسری نیست و صلاحیت ورود به زندگی مشترک را ندارد و صرف نظر از آن که با چه فردی زندگی کند، خود مایه ایجاد تنش و از بین بردن پایداری بنیاد خانواده خواهد بود.

(۱) خودشناسی:

یکی از پیش نیازهای مهم ازدواج، تحقق آگاهی و شناخت نسبی به ابعاد گوناگون خودمان است. عدم شناخت خود بنا به دلایل گوناگون، با افزایش خطرپذیری اغلب مانع از تحقق یک ازدواج پایدار با رضایت مندی متناسب به شمار می آید، برای مثال افرادی که شناختی اندک نسبت به خویش دارند، نقاط ضعف خود را نمی شناسند و هرگز نمی توانند فرد متناسب با خود را نیز شناسایی نمایند. آن ها درصدد درمان خصوصیات نامناسب خود برخواهند آمد. این قبیل افراد آماده ازدواج نیستند. وجود برخی خصوصیات و رفتارها که در زندگی کنونی خودتان از آن برخوردار هستید، نشانه مناسبی برای آن است که بدانید برای ازدواج آماده هستید یا نه، و ابتدا باید به برطرف کردن نقاط ضعف خود بپردازید و بعد برای ازدواج اقدام کنید.

اشتباه نکنید و گمان نکنید که بعد از ازدواج این خصوصیات را اصلاح خواهید کرد، این دسته از مسایل مشکل ساز هستند و در مصاف با هر فرد دیگری که در یک ارتباط تنگاتنگ با شما قرار دارد، به ایجاد تنش و کشمکش منجر خواهند شد، نباید از خاطر دور بماند که براساس آیات شریفه قرآن، هدف اصلی ازدواج، کسب آرامش، دوستی و مودت است که با وجود این خصایص، دست یابی به آنها بعید به نظر می رسد.^۱

در تمام موارد ضرورت دارد که ابتدا از طرق مشاوره، مسایل را برطرف و سپس به ازدواج اقدام کنید. همچنین به شما موکدا توصیه می کنیم که در صورت پی بردن به هر یک از شاخصه ها در فرد مقابل نیز به او یادآوری کنید که ابتدا باید به حل مساله بپردازید. توجه داشته باشید که این مسایل باعث بروز و کشمکش های خانوادگی، نارضایتی از زندگی مشترک، و در نهایت، طلاق می شود.

البته همواره احساس و تفکر کاذبی وجود دارد که بعد از ازدواج درست می شوم و اخلاقم بهتر می شود، و این مانع از یک اقدام منطقی و گام برداشتن برای حل مساله و درمان به شمار می آید.

(۲) کسب شناخت درباره نقش خود و همسر:

شناخت واقعی هر یک از دو جنس زن و مرد در زندگی مشترک به تعدیل رفتار در زندگی کمک می کند و مانع از ایجاد انتظارات و خواسته های نامناسب می شود. بخشی از این نقش ها را قانون و شرع تعیین کرده است، اما باید توجه داشته باشید که حقوق نمی تواند تمام مرزها را تعیین نماید و اخلاق باید محور زندگی مشترک قرار گیرد.

^۱ لا وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ، و از نشانه های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میان تان دوستی و رحمت نهاد. (سوره روم / آیه ۲۲)

برخی از دختران و پسران با توقعات و انتظاراتی نابه جا درباره نقش زن و شوهر وارد زندگی مشترک می شوند. برخی مردان به جای آن که از نقش خود برای استحاح خانواده بهره گیرند، به اشتباه دستورهایی غیرمنطقی و غیرمعقول را ارایه داده و انتظارات بی جا، زندگی را تلخ و دچار مشکل می کند.

الف: شناخت های مرتبط با همسر:

یکی دیگر از پیش نیازهای ازدواج، کسب آگاهی نسبت به مسایلی است که مرتبط با همسران است. مادامی که شما نسبت به ویژگی ها، محدودیت ها، شرایط زیستی، روانی، نقش و وظایف همسران و وظایف و نقش خودتان در قبال همسران به عنوان جنس دیگر هیچ گونه آگاهی نداشته باشید متقابلاً او نیز از این موارد در خصوص شما آگاهی نداشته باشد، هر دو با انتظارات غیرموجه و غیر واقع بینانه ای رو به رو خواهید شد و بر همین اساس، کنش و واکنش های ناسازگارانه ای میان شما پدید خواهد آمد که رضایت مندی زناشویی را به مخاطره می افکند.

ب: شناخت تفاوت های زن و مرد

یکی از موارد ضروری در شناخت همسر، شناخت تفاوت های میان دو جنس زن و مرد است. از نظر ایدلسون و اپستین^۱، وجود برخی باورهای نادرست درباره تفاوت های جنسیتی مانند نداشتن درک صحیح از تفاوت های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، باورهای ارتباطی غیرمنطقی محسوب می شوند که می توانند یک رابطه زناشویی را تخریب کنند.

به همین اندازه برخی از تفاوت های ناشی از وضعیت فرهنگی، عوامل محیطی و اجتماعی نیز در این اختلافات موثر هستند. در هر صورت عدم آگاهی از این تفاوت ها اغلب باعث پدید آمدن برخی انتظارات نابه جا و ناهم خوانی خواهد شد که این خود موجب بروز سوءتفاهم میان زن و شوهر می شود. آگاهی از این تفاوت ها از بروز ناراحتی های بی مورد جلوگیری می کند و باعث می شود تا در برخورد با همسران واکنس مناسب نشان داده و علاوه بر حذف موارد فوق، برخی راهبردهای مناسب را مورد استفاده قرار داده و به نوعی درک متقابل برسید.

اگر یک ویژگی در مرد باعث نقص در عملکرد زناشویی می شود، باید آن را جبران نماید و متقابلاً همسرش نیز باید با توجه به آن ویژگی با شوهر خود رفتار کند.

۳) تفاوت در نقش مدیریتی:

در تمامی فرهنگ ها و جوامع گوناگون، برای مردان مدیریت خانه و خانواده مهم است و این امر مورد تأیید دین مبین اسلام نیز هست.^۲ که مردان را سرپرست خانواده قرار داده است. از طرفی این مساله با قدرت بدنی مرد نیز سازگاری بیشتری نیز دارد. البته سرپرستی مردان نیز هرگز به معنای تبعیض جنسیتی یا تصمیم گیری مستبدانه آن ها نیست پس برای مرد اهمیت

^۱ Eidelson&epstein

^۲ الزَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (مردان، سرپرست زنانند) سوره نساء / آیه ۳۴

دارد که زن بدون نظرخواهی و مشورت وی درباره مسایل کلی خانواده خودسرانه تصمیم گیری نکند و از او پیشی نگیرد. بنابراین بهتر است خانم ها در رفتارهای خود مراقبت بیشتری به خرج دهند و مدیریت مرد را خدشه دار نکنند.

۴) تفاوت در زمینه عشق:

مردان بیشتر علاقه مند هستند تا بیشتر به صورت منطقی به عشق نگاه کنند. مثلاً در موارد متعددی شاهد آن هستیم که مردان در استفاده از کلمات عاشقانه طفره می روند و تمایل دارند تا زنان بپذیرند که همه ی تلاش های آنان برای همسرشان ترجمان همان عشقی است که آن ها به دنبال هستند.

مردان از اینکه تحت نفوذ هر فرد دیگر و از جمله همسر خود قرا گیرند، به شدت آزرده خاطر می شوند و نسبت به آن واکنش منفی نشان می دهند. گویا آنان این ابراز عشق های اشباع شده را به گونه ای دیگر تفسیر می کنند آن را مایه شکستن مایه اقتدار خود می دانند و آن را نوعی تلاش برای نفوذ و محدود ساختن خود ارزیابی می شود که آن ها را به مثابه یک کودک در نظر می گیرد و این کار موجب ناراحتی مردان می شود.

در مقابل زنان علاقمند هستند تا عشق خود را ابراز نمایند و بیشتر از عباراتی همچون «آفرین»، «عزیزم» و... استفاده می کنند که در صورت زیاده روی به مردان احساس حقارت و اینکه تحت نظر و کنترل هستند را می بخشد و به همین دلیل ممکن است باعث خشمگین شدن آن ها شود.

۵) تفاوت در رفتار جنسی:

شاید یکی از نیرومندترین تفاوت هایی که بین زنان و مردان وجود دارد مربوط به رابطه جنسی است. در حالی که زنان تمایل دارند رابطه جنسی را به احساس عاطفی و نزدیکی ربط دهند، مردان رابطه جنسی را به عنوان یک پیشرفت، ماجراجویی، ابزار کنترل و قدرت یا فقط لذت جسمی، ادراک می کنند.

زنان تمایل دارند برای رابطه جنسی ارزش قایل شوند زیرا این رابطه به زنان حس مشارکت عاطفی و همبستگی می دهد. در مقابل مردان تمایل دارند رابطه جنسی را از سایر جنبه های رابطه جدا کنند. برای مثال بیشتر مردها تمایل دارند بر برانگیختگی جنسی تمرکز کنند.

در این مساله معمولاً مردها زودتر به اوج لذت جنسی می رسند و زن ها دیرتر و اگر مردها اصول رابطه جنسی با همسر را رعایت نکنند، زندگی دچار مشکل خواهد شد.

۶) تفاوت در جنبه عاطفی

زنان نسبت به مردان موجودات عاطفی تری هستند. با تلفیق این خصیصه با ویژگی جزئی نگری بودن، می توان پی برد که چرا یک زن معمولاً به طرح جزییاتی درباره مشکلات و مسایل دوره های مقدماتی ازدواج و زندگی مشترک تکیه می کند و

برای بارها آن را تکرار می کند. بنابراین یک زن همان گونه که نسبت به تاریخ دقیق روزهای مهم زندگی مشترک توجه دارد، به همین اندازه وقایع ناگوار و ناخوشایند را نیز با جزییاتش به صورت عاطفی و مکرر مورد پردازش قرار می دهد. این در حالی است که مرد نسبت به این مسایل بی توجه است و این تفاوت دست مایه برخی تنش ها در زندگی ترک قرار می گیرد؛ چنان که زن به اشتباه این بی اعتنایی مردان به رویدادها را ناشی از عدم علاقه نسبت به خودش تفسیر می نماید.

باورهای نادرست درباره ازدواج:

برخی از دختران و پسران ازدواج را پناهگاهی برای تحقق همه امیال و آرزوهای خود میدانند و گمان میکنند که پس از ازدواج به هر آنچه در خانه پدری خود نداشته اند دست میابند. این گونه افکار بلندپروازانه و دور از واقعیت، آنها را با انتظاراتی کاذب از همسرشان روبهرو میسازد که به محض

برخورد با ناکامی، خود را شکست خورده دانسته و اغلب نیز ابراز تمایل به طلاق میکنند.

۱- ازدواج خوب یعنی خوشبختی کامل:

برخی از این باورها بدین شرح است:

* در ازدواج مناسب، زوجین هیچ چیز را از یکدیگر مخفی نمیکنند!

* زوجین مناسب هرگز خشمگین نمیشوند!

* در زندگی مشترک، همه خواسته های آنها برآورده خواهد شد زوجین خوشبخت کوچکترین اختلاف فکر و سلیقه های نخواهند داشت!

* و امثال این ها، در حالی که هر زن و شوهری اختلاف هایی دارند که باید راهحل آنها را بدانند و زود حل و فصل کنند.

۲- ارتباط کامل:

صاحب این عقیده این چنین می اندیشد: «ما باید قبل از ازدواج ثابت کنیم که ارتباط موثری خواهیم داشت». البته توجه به فاکتورهای پیش بینی کننده پیش از ازدواج بسیار عاقلانه است. مانند: ارتباط خوب، مهارت های حل مشکل، تشابه و همانندی ارزش ها و عقاید. جستجوی چنین ارتباطی و چنین همسری که این مهارت ها و قابلیت ها را داشته باشد عاقلانه است. اما از آن جا که موفقیت کامل در ازدواج می توان اینگونه اندیشید که هیچ راهی برای تضمین خوشبختی کامل پیش از ازدواج میسر نیست.

فقط باید تا حدود لازم توجه داشته باشیم و راه حل های لازم را هم بدانیم و به امید این که هیچ مشکلی نخواهد بود، ازدواج نکنیم و اگر هم مشکلی پیش آمد از طریق صحیح برای حل آن بکوشیم.

۳- عشق کافی است

فرد دارای این عقیده شاید چنین بگوید: «عاشق کسی شدن برای من دلیل کافی برای ازدواج است». جامعه غربی عشق رمانتیک را به عنوان شرطی لازم برای ازدواج ارزشمند می‌شمارد. در واقع اشخاص کمی هستند که ازدواج را بدون عشق تصور کنند. اگر عشق به عنوان تنها معیار در نظر گرفته شود، سایر توانایی‌های اساسی فردی و بین فردی از نظر دور خواهد ماند و ممکن است این عشق کاذب موجب شود که در مشاهده نقاط ضعف همسر غفلت صورت گیرد. همان طور که در بیان امیرالمومنین (ع) هم داریم که «حب الشیئی یصمی و یصم» یعنی محبت شدید به کسی یا چیزی انسان را کور و کر می‌کند.

۴- انتخاب باید آسان باشد

عقیده دیگر می‌گوید انتخاب همسر باید ساده باشد و این انتخاب حاصل یک شانس و یا اتفاق است. بنابراین فرد شاید تصور کند که برای انتخاب همسر، باید به جای دقت کردن، در انتظار یک اتفاق ماند.

چنین فردی در انتظار شانس برای دیدار و عشق در اولین نگاه است بدون آن که از تفکر محتاطانه و آمادگی لازم، کمک بگیرد و و با اعتقاد به شانس و قسمت در انتظار یک ازدواج اتفاقی خوب است.

مواردی که عنوان شدند فقط تعدادی از نگرش‌ها و باورهای غیرمنطقی افراد نسبت به انتخاب همسر هستند. نحوه‌ی نگرش افراد نسبت به فرایند انتخاب همسر امری بسیار حیاتی و مهم است که با درک باورهای غیرمنطقی و محدودکننده درباره انتخاب همسر می‌توان از مضرات آن‌ها جلوگیری کرد.

انگیزه‌های نامناسب برای ازدواج:

۱- ازدواج با انگیزه دستیابی به ثروت

خوشبختی و سعادت در زندگی مشترک تنها محصول قدرت مالی نیست. اگر توجه خودتان را صرفاً بر کسب پول و ثروت معطوف نموده و بسیاری از عوامل انسانی، اخلاقی و عاطفی را در نظر نگیرید، در زندگی خود روی خوش نخواهید دید.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «با زنان به خاطر زیبایی و مال شان ازدواج نکنید، زیرا چه بسا مال و ثروت شان، آن‌ها را به طغیان و سرکشی وادارد.^۱ هنگامی که دختر یا پسر ثروتمندی که فاقد خصوصیات انسانی است و اکنون همسران شده است، ثروت خود را به رخ شما می‌کشد و عزت نفس شما را مخدوش می‌کند، حاضر خواهید شد که هر قیمت ممکن از او فاصله بگیرید، هر چند اقدام به طلاق نکنید.

^۱ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹۷، ح ۱۸۵۹

در این صورت خود را در همسرگزینی شکست خورده خواهید دید اما اگر چنین همسری حتی فخر فروشی نکند و مشغول کسب ثروت بیشتر، عیش و سرگرمی های خود باشد، باز هم خود را تنها و شکست خورده خواهید دید. پس ضروری است جوانب دیگر موضوع را بررسی نمایید. بنابراین ثروت اولین و مهم ترین عامل انتخاب باشند.

۲- ازدواج اجباری:

گاهی برای تحقق پیوند زناشویی، انواع تهدید بدنی و فشارهای روانی مورد استفاده قرار می گیرد. این پدیده هم از سوی خانواده دختران و هم پسران مشاهده می شود.

شخصی از امام صادق (ع) سوال کرد: «من می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم». امام (ع) فرمودند: «با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن و زنی را که پدر و مادرت بدون رضای تو انتخاب کرده اند، رها کن»^۱.

رضایت مندی در این ازدواج های تحمیلی بسیار پایین بوده و این گونه ازدواج ها از دوام اندکی نیز برخوردارند. در نتیجه اگر دختر یا پسری برخلاف میل و رضایت درونی خود به ازدواج وادار شوند، احتمال بروز ناسازگاری و کشمکش در چنین خانواده ای نیز بالا خواهد بود.

۳- ازدواج برای فرار از مشکلات خانوادگی:

یکی از دلایلی که دختران و پسران را به ازدواج ترغیب می کند، فرار از خانواده ای است که از هم پاشیده و یا کانون اختلاف است. گاهی دختر مورد طعنه و کنایه خانواده خودش قرار گرفته و او را مورد شماتت قرار می دهند که چرا نتوانسته است تاکنون ازدواج کند، در این صورت ممکن است دختر از روی اجبار برای آن که از مزاحمت های خانواده رهایی یابد، به یکی از درخواست ها بدون هیچ گونه علاقه ای پاسخ مثبت دهد.

این قبیل ازدواج ها نیز از استواری لازم برخوردار نبوده و متزلزل هستند.

۴- ازدواج از روی ترحم و دلسوزی:

ازدواج از روی ترحم و دلسوزی، اغلب به واسطه ناتوانی بدنی، نقص در زیبایی، فقدان یک ویژگی یا وجود آسیب های اجتماعی در فرد مقابل صورت می گیرد.

هدف اصلی ازدواج نمی تواند صرفاً نجات فرد آسیب خورده ای که قرار است همسر آینده ما باشد، قرار گیرد، بلکه در ازدواج لازم است نخست نسبت به طرف مقابل حسی از اعتماد و علاقه داشته باشید و علاوه بر آن، به وجود یک کمال نسبی در او

^۱ تهذیب، الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۲

باور داشته باشیم. او قرار است همتای شما و همکار شما در تربیت فرزند باشد، پس باید بتوانید به وجود او افتخار کنید، نه که او را تحمل کنید.

همچنین لازم است که آسیب موردنظر یک نقطه ضعف عمده نباشد که در آینده همان را دست مایه تاخت و تاز، منت گاشتن یا مایه تنفر از فرد قرار دهیم. زندگی، درمانگاهی برای درمان همسر نیست. بنابراین مشخصاً کسی که اکنون با یک آسیب و نابهنجاری رو به رو است، ممکن است شما را با آسیب رو به رو سازد و به همین دلیل نمی تواند همسر مناسبی به شمار آید.

ما در ازدواج منجی دیگری نیستیم و تجارب متعدد نشان داده است که افرادی که از روی دلسوزی و ترحم به دیگری به ازدواج با او تن داده اند در نهایت به صورت یک طلبکار خود مرتکب بالاترین جفاها در حق او شده اند و یا خودشان متحمل آسیب هایی شده اند.

۵- ازدواج برای جبران شکست های عشقی:

گاهی نیز فرد برای جبران عشق شکست خورده قبلی خود، به یک ازدواج یک ازدواج جدید روی می آورد، در حالی که هنوز در فضای ازدواج گذشته خود چه مثبت چه منفی قرار دارد و نمی تواند آن را مورد بررسی قرار دهد که این اقدام زمینه شکست دیگری را فراهم می کند.

بنابراین فرد ابتدا باید به بهبود حال خود و اصلاح نقاط ضعف خود بپردازد که ممکن است چندین ماه به طول بیانجامد و پس از آن به دقت صلاحیت فرد مقابل، و خصوصیات فرد مقابل را بررسی کند و در صورت تأیید به ازدواج اقدام کند.

۶- ازدواج با انگیزه درمان افسردگی و اختلالات

برخی افراد گمان می کنند که پس از ازدواج، افسردگی و اضطراب آن ها بهبود خواهد یافت. برخی والدین گمان می کنند که ریشه مشکلات روحی و روانی فرزانسان نیازهای جنسی است که برآورده نشده است و اگر از نظر مسایل جنسی تامین شود، بهبود خواهد یافت.

ازدواج رویداد و تغییر مهم در زندگی و مستلزم هماهنگی با فرد مقابل، انتظارات و تعهد و مسئولیت در برابر همسر است. زندگی مشترک نیازمند برخورداری تحمل بالایی برای سازگاری است، از آنجا که افراد مبتلا به افسردگی و سایر اختلالات روانی در زندگی خودشان دچار مشکلاتی هستند، نمی توانند در زندگی مشترک با دیگری اهداف مشترک را برآورده نمایند. در نتیجه این افراد باید در ابتدا با مراجعه به متخصص مربوطه برای درمان خود از طریق دارو و روان درمانی اقدام کنند و نه اینکه بخواهند با ازدواج مشکل شان را حل کنند. اختلال روانی شدید نیز شانس برقراری روابط رضایت بخش را برای فرد کاهش می دهد.

نقش والدین در ازدواج فرزندان:

والدین در جامعه ما نقش مهمی در قبل، حین و بعد ازدواج فرزندان دارند بنابراین می بایست بدانند که:

*می توانند مشاور خوبی برای فرزندان باشند، آن ها را راهنمایی کنند ولی مجبورشان نکنند.

*همسر آینده فرزندان را با زور، تهدید، تمطیع، به او تحمیل نکنید. این کار عواقب خطرناکی دارد، که بعدها پشیمان می شوید ولی پشیمانی فایده ندارد، چون آینده فرزند خود را تباه می سازید.

*همین طور کسی را مجبور به ازدواج با دختر و پسران نکنید، اگر دختر شما یا پسر شما نامزد دارد و نامزدش پشیمان شده و نمی خواهد، مجبورش نکنید که قبول کند با دختر و پسر شما ازدواج نماید و اگر موفق شوید با زور او را وادار به ازدواج به دختر و یا پسران کنید این زندگی از اول با علائقی، سردی و بی احساسی شروع می شود و در این ازدواج ها دعوا و خیانت به همسر و طلاق بسیار است.

*با ازدواج در سن پایین فرزندان موافقت نکنید، آمار طلاق ها در سن ازدواج پایین بسیار بالاست و دختران و پسران در سن پایین قدرت تصمیم گیری منطقی و درست را ندارند و بعد در زندگی دچار مشکلات جدی می شوند.

*با خواستگاران و یا پیشنهادات خوب فرزندان، منطقی برخورد کنید. فرزندان شما هم می توانند پیشنهاد بدهند، ابتدا به حرف آنان خوب گوش کنید و بعد اگر واقعا پیشنهاد خوبی دارند همراهی کنید و یا اگر لازم بود با یک روانشناس مشورت کنید.

*فرزندان را برای انجام یک مشاوره به روانشناس تشویق کنید و خودتان هم مشورت کنید. زندگی آینده فرزندان اینقدر مهم است که برایش وقت بگذارید و مشورت کنید تا بهترین تصمیم را بگیرید.

*فرزندان را به برگزاری ازدواج ساده تشویق کنید. به هیچ عنوان ازدواج های پر خرج تضمینی برای پایداری، ثبات و آرامش در زندگی مشترک نیست و در بسیاری موارد می تواند در آینده مشکلات جدی ایجاد کند.

*به تمایلات و خواسته های منطقی فرزندان در ازدواج توجه کنید، خودرایی و مستبد نباشید. به خواسته های واقعی و منطقی همسران اهمیت دهید. فرزند شما می تواند با شما فکر بکند و اگر خواسته اش متفاوت با شما است دلیل بد بودن آن نیست.

*خواستگاران دخترتان را بدون مشورت با آن رد نکنید. همیشه به فرزند خود احترام بگذارید و اگر خواستگاری دارد با او در میان بگذارید. با این کار هم اعتماد به نفس او را افزایش می دهید و هم فرزندان به شما اعتماد بیشتری پیدا می کند و شاید او هم در خصوص خواستگارهایش نظری داشته باشد که خوب است حرف او را هم بشنوید، حتی وقتی فکر می کنید که خواستگار او فرد مناسبی هم نیست، با او در میان بگذارید.

ب: خواستگاری و مسایل مرتبط:

آشنایی نخستین گام برای انتخاب همسر است. متداول ترین روش برای آشنایی از طریق معرفی دیگران و برگزاری جلسه خواستگاری صورت می گیرد. منظور از آشنایی در این بحث صرفاً روشی است که در آن دو نفر از وجود یک دیگر آگاه می شوند که این آشنایی را «آشنایی مقدماتی» می گویند.

بنابراین مقصود از نحوه آشنایی روشی است که طرفین، نخستین ارتباط ها و برخوردها را بر پایه آن با یکدیگر برقرار می کنند. اما در بیشتر موارد مقصود از آشنایی شناخت و آگاهی تفصیلی و روشی هدفمند به منظور کسب اطلاعات درباره فرد مقابل با هدف ارزیابی برای ازدواج است.

۱- نحوه آشنایی طرفین

برای آشنایی در امر ازدواج حتماً از مسیرهایی را که اطمینان بیشتری دارند انتخاب کنند. یک مسیر مطمئن مسیری است که در آن فرد مورد نظر به صورت حقیقی، عینی و ملموس قابل دسترس بوده و موجودیت و هویت او به طور کامل شناخته می شود.

همچنین ضروری است که یکی از افراد که سرپرستی شما را بر عهده داشته و دارای تجارب کافی است را به عنوان حامی برای بررسی فرد مقابل برگزینید. این فرد خواهد توانست بر جریان آشنایی شما نظارت داشته و آن را ارزیابی نماید و موارد مخاطره آمیز را یادآور شده و از آن پیشگیری نماید. هرگز در ارایه مشخصات خود در فرد مقابل شتاب زده رفتار نکنید. این گونه رفتارها هنگامی که از سوی دختران صورت می پذیرد، فرد مقابل یا اطرافیان او را تفسیرهایی نادرستی سوق می دهد و چنین تصور می کنند که دختر قصد تحمیل خود را بر پسر دارد.

۲- مراقب تاثیر جاذبه باشید

جاذبیت ظاهری شامل جاذبیت بدنی، لباس و آرایش می شود که بیشترین تاثیر را بر ما می گذار، می تواند ما را از منطق دور سازد و فریب دهد و ما به سادگی نمی توانیم از آن رها بشویم، پس ما جذب افراد جذاب می شویم، در این صورت روشن است که به احتمال زیاد مشاهده برخی صفات مطلوب وجود صفات نامطلوب را می پوشاند، در حالی که اغلب هیچ منطقی برای این گرایش درونی خود نداریم. نباید فراموش نمود که ظاهر جذاب الزاماً به رضایت زناشویی بیشتر و یا زندگی شادمانه تر منتهی نمی شود.^۱

این مسئله هنگام آشنایی با یک فرد هنگام همسرگزینی نیز رخ می دهد. مثلاً انتظار داریم که یک دختر یا پسر زیبا و جذاب دارای خصوصیتی همچون مهربان، باهوش و صمیمی و در مجموع همسری بالقوه خوب باشد، همچنین به عنوان یک زن

^۱ برشاید و همکاران، ۱۹۷۲

انتظار دارید که یک مرد اخیراً شما در انجام کارها کمک کرده است از سایر خصوصیات همچون سخاوتمندی، شجاعت و عقلانیت نیز برخوردار باشد. در این صورت متقاعد خواهید شد که می توان به او برای همسر بودن اعتماد نمود. از طرفی یک دختر یا پسر جوان که در اوج غریزه جنسی و نیاز جدی به همسر است ممنک است با دیدن ظاهر زیبا، فریب ظاهر را خورده و معایب او را نادیده بگیرد و به معیارهای صحیح انتخاب دقت نکند.

۳- پرهیز از ایجاد وابستگی

همیشه به فکر اندخاب عاقلانه و زندگی عاشقانه باشید. یادتان باشد عشق هرگز کافی نیست. در آشنایی مقدماتی یکی از توصیه های همیشگی به دختران و پسران این است که: مادامی که التزام جدی به طرف مقابل، در حضور خانواده و متعهد شدن نسبت به همدیگر در صورت عرف، شرع و قانون به وقوع نپیوسته، به همدیگر دل نبندید. این هشدار به منظور پیشگیری از آسیب هایی است که غالباً دختران و پسران در نتیجه عدم تحقق ازدواج دلخواهشان با آن رو به رو می شوند. به هرحال هرگز نباید احتمال عدم تحقق ازدواج را از نظر دور داشت. در این صورت افراد به یکدیگر وابسته شده و معمولاً دختران در این بین از لحاظ عاطفی متحمل ضربه های شدیدی می شوند. چون بعد از وقوع وابستگی عاطفی، آسیب های روانی متعددی برای فرد پیش خواهد آمد.

۴- آشنایی از طریق فضای مجازی

آشنایی از طریق فضای مجازی که امروزه متداول شده است، ذاتاً روش مطلوبی نیست، چون احتمال بسیاری وجود دارد که افراد اطلاعات نادرستی را از خود ارایه دهند و میزان شناخت نسبت به فرد مقابل نیز اندک است. در فضای مجازی افراد خود را مطلوب نمایش می دهند و فرد مقابل بر این اساس اقدام به عمق بخشیدن به رابطه نموده و خود را متعهد و متلزم به فرد مقابل می داند.

گاهی نیز ممکن است وابستگی صورت پذیرد که حتی با وجود عدم مطلوبیت فرد به علت وابستگی، با هم مجبور به ادامه رابطه خواهد بود، حتی اگر فرد مقابل نه به نیت ازدواج، بلکه به قصد سوءاستفاده از فرد مقابل، رابطه را آغاز کرده باشد اما در خوش بینانه ترین حالت، اغلب با آشکار شدن حقیقت پس از اقدام به ازدواج، فرد خود را در عمل انجام شده می بیند و آسیب های گوناگونی متوجه او خواهد شد، بنابراین نباید ارتباط مجازی طولانی مدت را جبران کننده این ضعف این نوع آشنایی دانست.

اگر به هر دلیلی چاره ای جز استفاده از فضای مجازی برای انتخاب همسر ندارید، باید بسیار محتاطانه و در مراحل بعدی به صورت حضوری و از طریق ارتباط خانواده های طرفین و نه ارتباط حضوری خودسرانه تا سر حد اطمینان نسبت به شایستگی و لیاقت فرد مقابل مساله را پیگیری نمائید تا به یک شناخت نسبتاً کامل و اطمینان بخش دست یابید.

در فرهنگ ایرانی افرادی خیرخواه وجود دارند که با آشنایی با خانواده های طرفین دو خانواده را به یکدیگر معرفی نموده و برای تحقق ازدواج فرزندان آنان تلاش می کنند.

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: هرکس مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم سازد، خداوند او را با زنان بهشتی تزویج نماید و به هر قدمی که برداشته و به هر کلمه ای که در این مورد بیان داشته است. خداوند پاداش یک سال عبادت را برای او ثبت می نماید.

اما افراد واسطه باید توجه داشته باشند که بدون شناخت نباید تلاش بکنند تا به هر نحو ممکن ازدواج به وقوع بپیوندد. همین طور طرفیت هم نباید تحت اصرارهای طرفین واسطه قرار گیرند، بلکه با بررسی همه جانبه موضوع و مشاوره اقدام مناسب را انجام دهند.

۶- پرهیز از گفتگوی خودسرانه:

به دختران توصیه می شود که هرگز خودسرانه به گفتگو با پسر و خانواده آن نپردازند. پذیرش دعوت ها مخاطره آمیز هستند و فرصت هایی که طلایی می نمایند، بیشتر افراد را نگون بخت می کند. گذشته از فریب ها که بیشتر دامن گیر افرادی است که بدون خانواده اقدام می کنند، فاقد پشتوانه هستند و در بسیاری از موارد شرایط ناخواسته به آن ها تحمیل می شود. ممکن است فردی بگوید چون خانواده های ما اجازه نمی دهند که ما راحت با هم گفتگو کنیم، بنابراین لازم است خودمان بدون نظارت آن ها به گفتگو بپردازیم. استقبال از این مسئله می تواند خطرآفرین باشد. چون با ایجاد یک جاذبه و تمایل بین دو جنس ممکن است محور روابط آینده از ازدواج خارج گردد یا شناخت لازم حاصل نگردد و خطرهای جدی در پی داشته باشد.

۷- روابط پیش از ازدواج:

دوست داشتن ها و روابط پیش از ازدواج^۱ به صورت جدی از سوی منابع اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است.^۲

یک بررسی تطبیقی که ۶۶ کشور صورت گرفته است، نشان داده است که هر اندازه زنان در جامعه بیشتر با مردان ارتباط داشته باشند، میزان طلاق بالاتر خواهد بود، فقدان اعتماد نیست به همسری که پیش از ازدواج با فرد دیگری در ارتباط بوده است، میزان اعتماد پذیری نسبت به دیگری را کاهش می دهد. چرا که هر یک از آن ها به این می اندیشند که او می تواند مجدداً وارد رابطه ای دیگر شود. از سوی دیگر هنگامی که وابستگی ایجاد می شود معمولاً مشکل است که افراد درگیر بتوانند به یک ارزیابی مبتنی بر شناخت دست یابند. چون معمولاً ذهن به برخی فیلترهای محدودکننده آلوده می شود و برخی از اطلاعات مهم را تصفیه می کند و همین طور در جذب اطلاعات مهم را تصفیه می کند و همین طور در جذب اطلاعات نیز به طور گزینشی عمل می کند. این تصفیه و گزینش اخبار و اطلاعات باعث می شود تا بخش قابل توجهی از اطلاعات

^۱ Premarital relationships

^۲ و لا متخذات (و نه زنانی که دوستان پنهانی می کنند - سوره نساء/آیه ۲۵) و لا متخذی اخدان (و نه مردانی که دوستان پنهانی می گیرند-سوره مائده/آیه ۵)

که برای یک تصمیم منطقی ضروری هستند از میان بروند. حتی اگر روش شما خواستگاری رسمی باشد. باز هم در فرآیند کسب شناخت نباید به یکدیگر وابسته شوید و مساله باید در حد یک علاقه برای ادامه دادن، اگر تمام جوانب فرد مقابل مثبت باشد باقی بماند.

گفتگو و روش های مربوطه:

محل انجام گرفتن خواستگاری معمولاً خانه دختر است. برخی از خانواده ها ترجیح می دهند که خواستگاری از دخترشان در محل زندگی آن ها صورت نگیرد تا محل زندگی، مشکلاتی را برای آن ها پدید نیاورد. این دسته از خانواده ها نگران آن هستند که در صورت موفقیت آمیز نبودن جریان خواستگاری، ممکن است از تمایل سایر خواستگاران دیگر نیز کاسته شود. همچنین گاهی خانواده یکی از طرفین در شهر دیگری زندگی می کند و ممکن است تمایل به خواستگاری در یک مکان خارج از محل زندگی باشد. آنچه بیان شد، ممکن است برای برخی از خانواده ها موجه باشد اما نباید از آن به عنوان یک بهانه استفاده کرد و همواره ترجیح بر آن است که خواستگار با حضور در خانه دختر با فضای زندگی، فرهنگ و آداب خانواده وی آشنا شود.

تحقیق درباره فرد مقابل:

کارشناسان امور خانواده بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلافات خانوادگی، از شتاب زدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله گزینش، اعتماد بی مورد به اظهارنظرهای واسطه و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آن ها، بزرگ نمایی برخی ویژگی های غیر مهم و در مواردی فریب کاری و اغفال آگاهانه نشأت می گیرد.^۱

برخلاف آن چه ضرورت دارد، عموم افراد گمان می کنند که ما صرفاً پس از برگزاری چندین جلسه خواستگاری و پذیرش اجمالی فرد باید با جستجو درباره آن چه فرد مدعی بوده است به تایید یا عدم تایید آن چه گفته است، پردازیم. اما در واقع ما باید در تمام مراحل خواستگاری و پیش از آن به شناسایی فرد مقابل پردازیم. لیکن روشن است سطح پرس و جو و تحقیق در هر مرحله متفاوت خواهد بود. مثلاً در ابتدای آشنایی دو خانواده معمولاً در تحقیق به در یافت برخی اطلاعات در حد کلی بسنده می شود، اما همگام با پیشرفت در جلسات بر ابعاد تحقیق افزوده شده و میدان تحقیق گسترده تر خواهد شد. پرداختن به تحقیق ما را از برخی محدودیت های کسب اطلاعات درباره فرد مقابل طی جلسات خواستگاری رها می سازد. البته روش تحقیق هم از محدودیت های خاصی برخوردار است و ممکن است برخی از قسمت های کردار و منش خود را از دسترس دیگران دور نگه دارد، مثلاً واقعا معتاد باشد و هیچ گونه نشانه ای را از خود نشان ندهد. علاوه بر آن تحقیق کاملاً مبتنی بر یک دیدگاه شخصی است و جدای از غرض ورزی ها و کینه توزی ها، گاهی افراد با یک دید مسامحه گرانه فرد را مورد ارزیابی قرا می دهند و مثلاً در مجموع او را مناسب ارزیابی می کنند. محدودیت دیگر آن که تمام افراد در جامعه بر اساس نقش های خود رفتار می کنند. بنابراین رفتاری متفاوت از آن چه واقعاً هستند نشان می دهند و مشاهدات ناشی از تعاملات اجتماعی نمی توانند تمام خصوصیات و منش های درونی یک فرد را به طور کامل برای ما مشخص سازد. این قبیل

^۱ بستان / ۱۳۸۳

محدودیت‌ها باعث نمی‌شود تا ما از این شیوه جست و جو چشم پوشی کنیم و گاهی باعث می‌شوند تا دقت بیشتری را درباره آن به کار گیریم.

به هر حال ما راهی به جز این روش به عنوان دومین شیوه کسب اخبار و اطلاعات نداریم و باید دقت‌های لازم به کار بگیریم.

ویژگی‌های افراد تحقیق‌کننده:

فردی که قصد دارد به تحقیق پردازد علاوه بر آن که باید خیرخواه شما باشد و نسبت به او مطمئن باشید، باید رفتار صادقانه داشته و واجد برخی شرایط خاص دیگر نیز باشد. فردی که مسامحه‌گر نباشد و دیگران نتوانند او را به سادگی فریب داده یا متقاعد سازند. بنابراین باید از به کارگیری افرادی که نمی‌توانند ارتباط خوبی برقرار کنند یا معمولاً دچار احساس شرم و گناه هستند، خودداری شود. زیرا فوراً از طرح پرسش‌های مستقیم و صریح خودداری نموده و با مطرح ساختن برخی پرسش‌ها به یک احساس شرم و تقصیرکاری می‌رسند و مسایل را به خوبی مطرح نمی‌سازند. بنابراین مناسب‌ترین افرادی هستند که رفتاری پرخاشگارانه نداشته باشند و کاملاً دوستانه و قاطعانه رفتار می‌کنند. این افراد می‌توانند رفتاری صادقانه و در عین حال دوستانه داشته باشند و با دیگران ارتباط برقرار سازند.

مهم‌ترین ویژگی‌های محقق:

- * به خیرخواهی و صداقت او نسبت به خودتان کاملاً مطمئن باشید.
- * با او رابطه‌ای صمیمانه داشته باشید تا بتوانید متقابلاً خواسته‌ها، مسایل و محدودیت‌ها را با یکدیگر در میان بگذارید.
- * از شما و ویژگی‌های شما به طور کامل آگاهی داشته باشد.
- * دارای حسن تدبیر، درایت و با تجربه باشد که بتواند ویژگی افراد و سخنان آن‌ها را ارزیابی کند.
- * دارای رفتار قاطع و صمیمانه باشد و کم‌رو و یا پرخاشگر نباشد.
- * کم‌حرف یا پرحرف نباشند.
- * بتوانند به آسانی تمام پرسش‌ها را مطرح سازد و متقابلاً قادر به پاسخگویی باشد.
- * رفتاری هوشمندانه داشته باشد، به خودافشایی نپردازد و اهداف تحقیق را فاش نسازد.
- * به طور نامحسوس و بدون هیاهو به کسب اطلاعات پردازد.
- * فہیم، رازدار و با تدبیر باشد.

معیارهای انتخاب همسر:

الف: معیارهای اصلی انتخاب همسر:

هر ازدواجی باید حداقل از چهار جنبه تضمین شود. این شروط به عنوان حد نصاب برای ارایه پاسخ کثبت هستند، اما افراد می توانند شروط دیگری را به این موارد بیافزایند. بنابراین سایر ظروف کاملاً در اختیار افراد بوده و می توانند بنا بر عقیده شخصی یا سلیقه شخصی خود رفتار کنند.

۱- سلامت دینی

سلامت دینی به معنای آن است که نه تنها دینداری ضرورت است بلکه فرد باید در دین داری خود نیز رفتاری معقول و خودپسندانه داشته باشد حدنصاب دین داری عامل بودن به ارکان دین مثل انجام واجبات مانند به جا آوردن نماز و روزه و ترک محرمات از قبیل دوری از آلودگی ها است.

۲- سلامت عقلی:

وجود توان عقلی متناسب و هم گون میان همسران برای درک مسایل عمومی زندگی و رفتار سازگاران ضروری است.

۳- سلامت اخلاقی:

برخورداری از سلامت اخلاقی همواره باید مدنظر قرار گیرد. این مسئله مورد توجه بزرگان دینی و امامان معصوم نیز بوده است. پیامبر اکرم(ص) فرموده است: با کسی اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج کنید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد. نمونه اخلاق بد، لجاجت و تک حرفی بودن، تکبر نسبت به همسر، بی ادب بودن، بی وفایی، کینه توزی، سبکی و هرزگی، با محبت نبودن، بدچشم بودن، است.

۴- اصالت خانوادگی:

شهرت، ثروت و موقعیت اجتماعی خانواده، به مفهوم شرافت خانوادگی نیست، بلکه منظور ارسته بودن خانواده به سجایای اخلاقی، اصالت، نجابت، پاکی و تدین خانوادگی طرفین است. زیرا ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و ایجاد یک نسل.

ب) معیارهای فرعی انتخاب همسر:

۱- زیبایی ظاهری:

زیبایی و تناسب هر چه بیشتر اندام از جمله نعماتی است که خداوند به صورت کم و بیش به افراد عطا نموده است اما به تنهایی نمی تواند ملاک مهمی برای ازدواج موفق تلقی شود. تناسب اندام، زیبایی صورت، قد و قامت، رنگ پوست و بسیاری از موارد دیگر از جمله عواملی هستند که ملاکی برای زیبایی تلقی می شوند. به هر حال نباید از نظر دور داشت که هر چند جذابیت ظاهری می تواند زمینه مناسبی برای آشنایی و انتخاب اولیه باشد، اما الزاماً موجب پایداری ازدواج و احساس رضایت همیشگی از خانواده نخواهد بود.

۲- سطح هوشی و شناختی:

آیا برای ازدواج به سطح بالایی از هوش همسرمان نیاز داریم؟ آیا هم ترازوی در سطح هوش ضروری است؟

یافته های برخی پژوهش های اخیر نشان داده است که با افزایش سطح هوشی در زنان، بر کیفیت زندگی افزوده شده و بر طول عمر مردان نیز افزوده می شود. نتایج این یافته ها تا اندازه ای و نه به طور کامل می تواند مورد پذیرش قرار گیرد، چرا که وجود برخی مولفه های دیگری نیز ضرورت دارد که در این قبیل پژوهش ها مورد توجه قرار نگرفته اند.

۳- سلامتی جسمانی:

سلامت بدنی از جمله نعمت های الهی است و در انتخاب همسر مورد استفاده قرار گیرد. این ملاک اگر چه به اندازه تقوی و کرامت انسان اهمیت داده نشده، لیکن در جای خود مهم است و قابل اغماض نیست. زیرا برخی از بیماری ها قابل معالجه نیستند و گاهی ممکن است قابل سرایت باشند و یا بر سلامت فرزندان خانواده تاثیر بگذارند. در چنین شرایطی باید از این ازدواج فاصله گرفت.

۴- وضعیت اجتماعی و فرهنگی:

برخی طبقه اجتماعی را بر پایه سه عامل ثروت، قدرت و منزلت تعریف می کنند. هر یک از این عوامل تاثیر فراوانی بر شکل گیری تمایزهای اجتماعی بر جای می گذارد و از این رو مشاهده می کنیم که هر یک از طبقات مختلف اجتماعی پ، سبک زندگی خاص خود را دارد و هنجارهای طبقاتی فراوانی در کارند که برقراری روابط صمیمی میان افراد متعلق به دو طبقه اجتماعی را دشوار می سازند.

۵- وضعیت اقتصادی:

تفاوت میان سطح درآمد طرفین یا خانواده های آن ها نباید چنین باشد که طرفین عملاً در دو طبقه اقتصادی کاملاً متمایز داشته باشند. توجه داشته باشید که تفاوت های فرهنگی ناشی از شرایط مالی نیز به مسایلی خاص می انجامد. در موارد متعددی شامل سرکوفت شوهر به زن بوده ایم که از لحاظ اقتصادی در طبقه متوسط یا پایین اجتماع قرار داشته است و گاهی نیز زن نسبت به شوهر خود سرکوفت می زند که من در خانه پدرم از امکانات بالایی برخوردار بودم. بنابراین یکی دیگر از مسایلی که باید مورد توجه قرار گیرد پرهیز از ازدواج در صورت وجود تفاوت اقتصادی چشم گیر میان سطح طبقه اقتصادی دو خانواده است.

۶- سطح تحصیلات:

از آن جا که تفاوت زیاد در سطح تحصیلات منتهی به تفاوت در اندیشه و فرهنگ طرفین نیز می شود، باید آن را در انتخاب همسر مدنظر قرار داد.

افراد دارای تحصیلات عالی نسبت به بقیه مردم بینش ها و نگرش ها متفاوتی دارند^۱ و همین تفاوت باعث می شود که رفتارهایی متفاوت از افراد فاقد این ویژگی داشته باشند. دغدغه ها و مسایل جاری آن ها متفاوت از دیگران است و همین مایه برخی متفاوت ها و تغییر در هنجارهای آن ها خواهد شد، در نتیجه ترجیح می دهند بیشتر با کسانی رابطه برقرار کنند که در سطح تحصیلی مشابهی قرار دارند.

^۱ بستان و همکاران ۱۳۸۵ .

ج: مراسم عروسی

برگزاری مراسم و تشریفات ازدواج:

یکی از آموزه های دینی لزوم برگزاری آشکار مراسم عروسی است. همچنین در خصوص تاکید بر این امر، رفتار پیامبر مکرم اسلام(ص) گواهی مناسب است، چنانکه نقل شده است روزی پیامبر گرامی اسلام از خانه های انصار صدای دف شنیدند، فرمودند: چه خبر است؟ گفتند: ای پیامبر خدا، فلانی داماد شده است، حضرت فرمودند: (الحمدلله، ازدواج را علنی سازید).

شما باید براساس توان مالی خود و همسران تعداد متناسبی از افراد را که به شما نزدیک تر هستند اعم از فامیل، دوستان، آشنایان و همسایگان دعوت نمایید. اما اگر در محدودیت مالی به سر می برید بای اولویت بندی نموده و برخی را به ناچار حذف نمایید. بنابراین ضرورتی ندارد که تمام دوستان تان را با درجات مختلف از آشنا تا صمیمی به عروسی دعوت کنید و تنها چند دوست بسیار صمیمی برای دعوت شدن کفایت می کند.

در خصوص زمان برگزاری عروسی نیز آموزه های اسلامی شب را مناسب می دانند. دلیل آن را نیز امام رضا(ع) در روایت خود، به آرامشی که بر شب حاکم است، مستند ساخته اند: «ازدواج کردن در شب از سنت است، زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و زنان در حقیقت مایه آرامش هستند».

در خصوص ولیمه یا غذا دادن در جشن عروسی نیز تاکیدات فراوانی وجود دارد، چنان که نبی مرم اسلام(ص) فرمودند: «تنها در پنج چیز ولیمه است: ازدواج....» اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد جلوگیری از اسراف و ریخت و پاش است. تهیه چندین نوع غذا، نوشیدنی و دسرهای گوناگون مایه مباحات و سرافرازی نیست.

همچنین پرهیز از مزاحمت برای همسایگان و اطرافیان امری ضروری است و نباید برای برگزاری یک مراسم مستحب، مرتکب گناه شد.

آموزش پیش از ازدواج:

مشاوره ازدواج با هدف ملاک های آمادگی هر یک از زوجین برای ازدواج و آموزش پیش از ازدواج برای کسب شناخت بیشتر شما درباره خودتان و نیز کسب آگاهی بیشتر درباره ازدواج و بررسی هدف شما از ازدواج صورت می گیرد.

در واقع یکی از وظایف متخصص مشاوره این است که به سئوالات شما در تمام زمینه های ازدواج پاسخ داده و ابهامات شما را در هر یک از زمینه های مورد اشاره برطرف نماید.

آموزش پیش از ازدواج را جدی بگیرید متأسفانه هر یک از ما در طول زندگی خود کمتر به فکر آن بوده ایم که علاوه بر فرا گرفتن قوانین و قواعد علمی، وقت خاصی را به تحصیلات درباره قواعد و قوانین زندگی انسانی اختصاص دهیم.

دومین وظیفه مشاور، سنجش و بررسی میزان آمادگی شما براساس وضعیت رفتاری و شخصیتی شما و جنبه های متعدد است تا توانایی سازگاری با همسر و اداره زندگی مشترک را برای شما مشخص کند روشن است که برخی موانع ممکن است در هر یک از ما وجود داشته باشد که فارغ از آن که با چه کسی ازدواج کنیم، مایه سستی زندگی مشترک خواهد بود. در این صورت روان شناس پس از بررسی های متعدد از آن مطلع می شود و اقدامات لازم را برای تشخیص قطعی و نهایی انجام می دهد. شاید پیش از این سطح توقعات اطراف نسبت به بنیاد ازدواج، همسر و عواملی از این دست محدود بود.

مشاوره ازدواج برنامه ای است برای سنجش میزان تناسب زوجین با یکدیگر، نقشی که مشاور در این مقطع ایفا می کند در چند حیطة می گنجد. حیطة اول اینکه مشاور با استفاده از برخی پرسشنامه ها و مصاحبه ها میزان تناسب یا عدم تناسب طرفین را مورد سنجش قرار می دهد. حیطة دوم برنامه شامل شناسایی مشکلات درونی است که می تواند هر یک از دوایان ازدواج را نامستعد برای ورود به هرگونه رابطه زوجیت نشان داده و به هر یک از طرفین مشکلات رفتاری، اختلالات بالینی یا اختلالات شخصیتی را که با آن رو به رو هستند شناسایی و اصلاح آن را گوشزد نماید. در این مقطع مشاور می تواند با احتمال بالایی، مشکلاتی را که زوجین با در نظر گرفتن ویژگی های طرفین، پس از ازدواج با آن رو به رو خواهند بود یادآور شد و نهایتاً طرفین را به ازدواج یا عدم ازدواج و یا ازدواج مشروط به درمان و آموزش خاص راهنمایی کند.

نتیجه گیری:

ازدواج یکی از مهم ترین تصمیمات دوره حیات انسان است و در صورتی که ازدواج سالم و رضایت بخش باشد تاثیرات شگرفی بر سلامت و رشد ابعاد مختلف شخصیت افراد بر جای می گذارد.

چنان چه ازدواج ناسالم و بر پایه اصولی سست و لرزان بنا شود تاثیرات بسیار مخربی بر سلامت و ابعاد مختلف شخصیت افراد وارد می سازد که شاید فرد مجبور باشد این مشکلات را تا آخر دوره ی حیات خویش تحمل نماید.

رابطه ای که در پرتو ازدواج بین یک مرد و یک زن ایجاد می شود، منحصر به فرد و از هر رابطه ای مهم تر، عمیق تر، گسترده تر، طولانی تر و حساس تر است.

مهم ترین وظیفه دختران و پسران برای ازدواج مطمئن و پایدار فراگیری ازدواج سالم و شناخت کافی از فرد و خانواده فردی است که قرار است همسر آینده شما شود. دوستی های قبل از ازدواج به قصد ازدواج، ازدواج های فوری، اصرار بر ازدواج علیرغم مخالفت خانواده و یا خانواده ها، نادیده گرفتن مشکلات فعلی به امید این که بعداً درست می شوند از جمله دشمنان ازدواج شما می باشند.

بنابراین لازم است ابتدا ازدواج را بشناسید، اطلاعات لازم را از افراد متخصص دریافت کنید و با دقت و مهارت همسر آینده خویش را برگزینید.

منابع و مأخذ:

- ۱- دانستنی های ازدواج سالم- امین تیرائی- چاپ دوم ۱۳۹۶.
- ۲- اسلام و جامعه شناسی خانواده- حسین بستان- ۱۳۸۵.
- ۳- فرایند همسرگزینی- هادی حسین خانی- چاپ ۱۳۹۱.
- ۴- خانواده در نگرش اسلامی و روانشناسی- سالاری فر- چاپ ۱۳۸۵.
- ۵- انتخاب همسر- ابراهیم امینی- چاپ ۱۳۹۰.
- ۶- روان شناسی تفاوت های فردی- حسن شمس اسفندآباد- چاپ ۱۳۸۴.
- ۷- درآمدی بر نظام خانواده در اسلام- محمدرضا سالاری فرد.
- ۸- حدیث راه عشق- امیرحسین بانکی پور فرد.
- ۹- روانشناسی تعامل اجتماعی- ترجمه: خشایار بیگی- چاپ ۱۳۷۹.
- ۱۰- ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ- محمدعلی حکیم آرا- چاپ ۱۳۸۴.
- ۱۱- نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص)- ابوالقاسم پاینده- چاپ ۱۳۸۲.
- ۱۲- روان شناسی تفاوت های فردی- حسن شمس اسفندآباد- چاپ ۱۳۸۴.
- ۱۳- مبانی جرم شناسی- مهدی کی نیا- انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- جامعه شناسی خانواده- شهلا اعزازی- چاپ ۱۳۸۵.
- ۱۵- مختصر حقوق خانواده- حسین صفائی- چاپ هشتم، بهار ۱۳۸۴.